

دیوان داوری بین المللی و جایگاه ایران

امیر فیض - حقوقدان

جاوید ایران

ایران یارگرمی

موضوع مصاحبه فیگارو با علیحضرت:

عطف به پرسشی که مطرح شده است استحضاراً عرض میشود که در سال ۲۰۰۲ اساسنامه دیوان داوری به امضای نماینده تام الاختیار جمهوری اسلامی رسیده ولی تاکنون مورد تصویب مجلس قرار نگرفته است کشورهای آمریکا - اسرائیل - لیبی - عراق - چین - قطر و شوروی از تائید کنندگان اساسنامه دیوان کیفری بین المللی نیستند.

عدم عضویت کشورها در عهدنامه رم که منجر به تاسیس دیوان داوری گردیده است به این معناست که رهبران و مسئولین آن کشورها قابل محاکمه و مجازات در آن دادگاه نیستند.

جالب اینجاست که استدلال آمریکا برای مخالفت با دیوان مزبور این است که مدعی بوده که «این دادگاه میتواند بر راحتی بازیچه اختلافات سیاسی و سوء استفاده گردد (واقعیتی که امروز دقیقاً در مورد دیوان مزبور می بینیم - از باب نمونه - البشیر رئیس جمهور سودان تحت تعقیب دیوان کیفری قرار گرفت ولی وقتی ناچار شد که با تجزیه کشورش موافقت کند پرونده او هم در دیوان بسته شد) و ایراد دیگر آمریکا اینکه امنیت سربازان و افسران کشورش در مخاطره اتهام جنایات جنگی قرار خواهند گرفت = مرگ خوبست برای همسایه»

محدوده و صلاحیت دیوان مزبور نسبت به موارد نسل کشی - جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی است و حتماً نقض حقوق بشر در صلاحیت دیوان مزبور نیست همانطور هم که در صلاحیت شورای امنیت سازمان ملل نیست.

این اشاره بجاست که از سال ۲۰۰۵ هیچ موردی را سازمان ملل متحد در رابطه با جنایت علیه بشریت برای رسیدگی به دیوان بین المللی کیفری ارجاع نکرده است، علت راهم باید در اشکالات تشخیص جنایت علیه بشریت و تعریف آن یافت.

تاکنون دوبار پرونده رئیس کشورها به اتهام جنایات جنگی، نه جنایات علیه بشریت، از طریق شورای امنیت به دیوان کیفری ارجاع شده است مورد اول اتهام جنایات جنگی البشیر رئیس جمهوری سودان به اتهام جنایات جنگی در دارفور بود و مورد دوم ارجاع پرونده قذافی است.

در مورد ارجاع پرونده قذافی از سوی شورای امنیت به دادگاه باید به این مهم توجه کرد که اولاً نماینده **لیبی در شورای امنیت خواستار ارجاع پرونده لیبی و قذافی به دیوان کیفری شد. (از عجایب) مهم دیگر، با اینکه هر ۱۵ نفر اعضای شورای امنیت بامسئود کردن دارائی های قذافی و بستگانش موافقت کردند در مورد ارجاع پرونده قذافی به اتهام جنایت علیه بشریت چنین موافقتی صورت نگرفت، و موضع کشورهای برزیل و پرتغال (اعضای موقت شورای امنیت) و نیز چین و روسیه همراه نبود.**

تشریح، نه، تحریف

آنطور که گفته میشود در برخی از خبرگزاریها برخورد شورای امنیت با قذافی و لیبی در مورد خامنه ای هم به اشاره اعلیحضرت رفته است که تداعی میکند با حملات نظامی ویران کننده ناتو به لیبی و دست آخر کشتن قذافی. البته گرچه آنطور که معلوم است و شخصاً هم تحقیق کردم (از آقای دکتر کاظم ودیعی مقیم فرانسه) **در اظهارات اعلیحضرت اشاره ای به لیبی و یا قذافی نشده است** ولی میتوان گفت که اگر خبرگزاریهایی که موضوع مصاحبه و بیانات اعلیحضرت رابه

قذافی و لیبی ربط داده اند ماموریت و هدف خاصی نداشته باشند، تشریح بیانات است نه تحریف زیرا در تشریح است که مسئله قذافی و لیبی در تابلوی تشریح خودنمائیگردد.

بنظر اینجانب انتظار اعلیحضرت و هدفشان در مصاحبه و برداشت از بیاناتشان این است که همانطور که شورای امنیت وارد رسیدگی به اتهام علیه قذافی شد در مورد خامنه ای هم همان رویه را پیش گیرد و این برداشت با تطبیق مورد باحمله ناتو به لیبی دو فاز جداگانه است.

این اشاره هم شاید بجای باشد که در دهه ۶۰ کشتاری که از زندانیان ایران توسط حکومت وقت شد که بیش از ۴۰۰۰ نفر در ظرف یکماه اعدام شدند، خیلی نزدیک تریه اتهام جنایت علیه بشریت بوده که در آن زمان به این موضوع توجهی نشد شاید دلیلش آن باشد که در آن سالها فشار آمریکا روی جمهوری اسلامی همانند این سالها نبود. (!!)

ممکنست درخواست اعلیحضرت مبنی بردخالت شورای امنیت و محاکمه خامنه ای در حد یک برنامه تبلیغاتی بتصویر آید **ولی استفاده از آن برای بیگانگان که قصد تجاوز و عملیات نظامی را علیه ایران دارند حتمی است** خاصه که:

دیوان کیفری بین المللی مانند قوه قضائیه دارای قدرت اجرایی نیست، یعنی نمیتواند مستقیماً به بازداشت متهمین اقدام کند. چندی قبل یکی از قضات دیوان گفت > این دادگاه قدرت دستگیری متهمین را ندارد آمریکا و کشورهای دیگر باید متهمین را دستگیر و تحویل دادگاه بدهند <

برای محاکمه رئیس یک کشور دوره وجود دارد یارنیس کشور خودش در دادگاه حاضر شود یا قدرت حکومتی و کشور منهدم گردد که دستگیری رئیس کشور ممکن گردد و این دومی است که تاکنون آمریکا مجری آن بوده است (موضوع یوگسلاوی - میلسویچ)